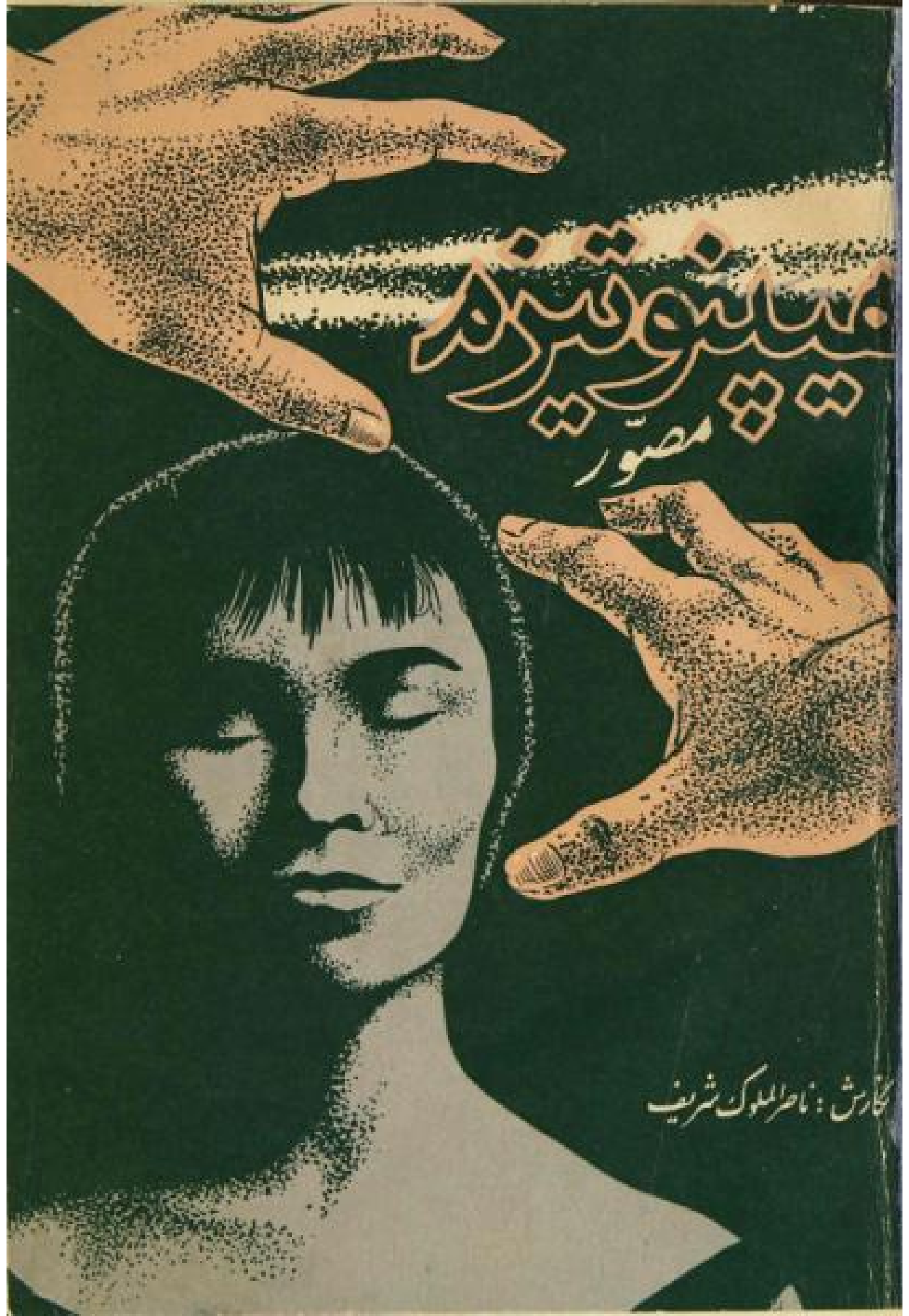
پیشوا تیرند
مصور
نگارش : ناصرالملوک شریف

هیپنوتیزم مصور

اثر :

ویلا بلوو

ترجمه و نگارش

ناصر الملوك شریف

حق چاپ محفوظ و اقتباس ممنوع است

مهر ماه ۱۳۳۷

تهران

چاپخانه آتشکده

فهرست مطالب

هیپنوتیزم	صفحه ۱
شرح هیپنوتیزم	۵
هیپنوتیزم وطب	۷
اثرمغناطیس ارضی برجسم انسان	۸
اساس خواب هیپنوتیك	۹
خواب مغناطیسی	۱۲
اثر نگاه	۱۴
چطور چشمان قوی میشود	۱۵
خواب باالقاء لفظی	۱۷
چگونه بدون سوژه عامل قوی میشود	۱۸
ژست	۲۰
خیال	۲۲
اول باید بیداری آموخت	۲۳
نفوذ حرارت مغناطیسی	۲۴
سحرو جادو	۲۵
متدهای هیپنوتیزم (متدپرفسور البس)	۲۷
متد پرفسور ژسمن	۲۹
سقوط بعقب‌سر باتلقین‌لفظی	۳۱
» » باتسخیرنگاه	۳۲
سقوط بعقب باکشش‌مغنیتیك، تسخیر وتلقین	۳۳
متد دکتر ویشه	۴۲
متد دکتر برن‌هایم	۴۴
متد دوم دکتر ژسمن	۴۵
متد تسخیری دکترماند	۴۶
متد دکتر بورددویل	۴۷
متد دکتر پیکمان	۴۸
متد رناتو	۴۹
متد ژرلن	۵۰
متد کشیش فاریا	۵۱
متد دکتر لیباوید	۵۲
متد داوز	۵۳
متد موتن	۵۵
متدبرد	۵۷
متد دکترلیه بانژان	۵۸
متد دکتر شارکو	۵۹
متد دکتر بونه	۶۱
متد دکتر هاولی	۶۷
متد دکتر دورویل	۶۹
بیداری	۷۰
تبدیل خواب طبیعی به خواب مصنوعی	۷۴
متد پل‌فارز	۷۵
متد دکتر فلوور	۷۶
هیپنوتیزم‌ازراه دور	۷۷
پست سوژسیون	۷۸
کاتالپزی	۸۰
لتارژی یاغش	۸۲
انستزی	۸۳
آئینه بینی	۸۴
تزکیه نفس	۸۶
احضار ارواح	۸۷

پیشگفتار

وقتی بخود آمدم که حس کردم زندگی و زندگانی ام سراسر درد ورنج است .

رنج هستی ، آری همین رنج هستی که در افکار و اعماق روح خود احساس ناراحتی میکنیم!

بالاخره این آلام روحی مرا بستری کرد .

من میتوانم اعتراف کنم که این عقده ها مرا ناتوان نموده ، آیا کسی که بچنین درد ها مبتلا است حاضر است اذعان نماید که بیمار روحی است ؟.

مسلماً نه

اصولا کسی حاضر نیست او را مریض روحی تصور کنند . زیرا ابتلاء باین بیماری باعث سرشکستگی وحقارت است .ولی متاسفانه باید تصدیق کرد که بیشتر مردم بامراض روحی ، همان امراضی که در جسم آدمی اثر کرده ، انسانرا ناتوان میکند دچار هستند .

گاهی ناکامی ، زمانی نامرادی وشکست درزندگی، یاشکست درعشق باعث بروز عقدهٔ «خود کم بینی» میگردد . زمانی هم مشاهده می شود که جرائم ارتکابی موجب پیدایش رنج درونی گردیده است .

آیامیتوان بروی این افکار زهر آگین ومسموم خط بطلان کشیده آنرا ندیده گرفت .

و آیامیتوان دردمندان روحی راازجامعهٔ بشریت طرد کرد؟! ..

بدیهی است که‌جواب این‌سؤال‌مثبت نبوده و باید برای این نوع مرضی‌راه نجاتی جستجو کرده، آنانرا از زبونی و درماندگی آسوده ـ خاطر ساخت .

من‌دراین افکار غوطه‌میخوردم وبسراغ علاج‌میگشتم . باین‌نکته برخوردم که‌پزشکان درسالهای‌اخیر ازتلقین نـابخود آگاه(هیپنوتیزم) درخدمت طب استفاده کرده‌اند .

در میان‌مجموعهٔ کتب‌روانشناسان‌بزرگی که‌مطالعه‌می‌نمودم‌جزوهٔ خطی کوچکی بدستم آمد. که‌مطـالعهٔ آن راهنمائیهای سودمندی‌بمن نمود.لذالازم‌دانستم که باترجمهٔ آن‌این‌خدمت اجتماعی راکه مقدورم می‌باشد ، انجام‌دهم ضمناً برای اینکه این جزوه ناقص نباشد مطالبی از کتب‌مختلف اقتباس نموده، بآن افزودم .

البته هیپنوتیزم ، این علم‌قدیمی با رآکتوزانمی که‌مفهوش عوض کردن افکار واحساسات‌انسانی‌دراثر تسخیرمغزاست فرق بسیاری‌دارد .

همچنین با موضوعاتی که بعنوان پسیکوشیمی شناخته‌شده ومغز آدمی راازخـاطرات گذشته تهی می‌سازد متفاوت است .

برای اینکه مطالب‌این کتاب قابل فهم بوده،دستورات عملی آن درست‌بکاررود سعی‌شده‌است که موضوعات‌مختلف‌ضمن تصاویری‌روشن تشریح گردد. بدیهی‌است که‌نواقصی‌هم‌دارد امیداست باکمك‌خوانندگان ارجمندیکه دراین‌علم مهارت‌و تبحر دارند درچاپهای بعدی بتکمیل و رفع‌نواقص آن‌همت گماریم.

مهرماه ۱۳۳۷ ناصرالملوك شریف .

هیپنوتیزم
HYPNOTISME

علم هیپنوتیزم که آنرا قوت جاذبه میگویند علمی است قدیمی و این علم در زمان قدیم نزد خواص هند از کرامات شمرده میشد.

ارباب این علم نظر بافتخار خود در تعلیم مضایقه مینمودند و کثرت انقلابات زمان وشدت انحطاط افکار مردم آثار این کتب واین فن شریف معدوم شد تااینکه بواسطه تجسس وتفکر سیاحان درکتب قدیم از هندوستان بسایر ممالك اروپا رفت.

پس از کشف نقاب این علم در تمام اروپا بدرجه‌ای ترقی نموده که اکنون کمتر کسی یافت میشود که از این علم چیزی نداند.

عامل[1] این عمل اگر در مبادی فایده نه بیند نباید دل از آن بردارد، بلکه بر حکما لازم است که بکمال اطمینان عمل نمایند که در علم طب فواید بسیار دارد.

دراینکه این قوه موجود است شکی نیست چنانچه درکتب مقدسه روایات بسیاری است که درآن روایات وجود این نیروظاهر ومشهود است

۱- منظور از عامل عمل کنندهٔ باین علم است

ودال بر ثبوت جاذبه انسانی است و بواسطه این قوه جوهریه است که انسان حیوانات سرکش و درندگان وحشی را میتواند مطیع ومنقادخود نماید .

در بعضی از اقوام وحشی هرگاه یکی از آنها را مرضی عارض میشود، دیگری اورالمس میکند . یعنی دست بربدن او مالیده ،وبواسطه همین ملاسه ازاله مرض ازومیشود .

در روایات صحیح بثبوت رسانده که در اعصار سابق کاهنان و حکمائی بوده‌اند که بملامسه امراض را ازبدن مریض دفع میکردند . دربعضی روایات نیز بصورت سحروجادو ظاهر مینمودند وبهمین سبب بر دیگران تفوق داشتند واین همان قوه جاذبه مغناطیسیه است ، لکن آنها نمیدانستند که غلبه و تأثیر آن چه بوده است .

در کتب قدیمه نیز تایید شده وصحت وجود این قوه جاذبه راگواهی داده‌اند ودراکثرمقالات ذکر گردیده که ازاله مرض ودفع آلام روحی بوسیله قوه جاذبه حتمی وغیرقابل انکاراست .

چنانچه در باب پنجم آیه یازدهم قرآن مجید ذکراست که حضرت یسوع بملامسه دفع مرض از نعمان کرد .

این بهترین دلیل براثبات وجود مغناطیس انسانی است .

حضرت یسوع علیه‌السلام چون مدارج عالیه این علم را میدانستند حال تمام دنیا را میدیدند.ولی چون مرد خدا بودند فقط بدفع آلام بشر میپرداختند .

البته کسانی هم بوده اند که قدرت این علم را با سیاست آمیخته ومذهبی تازه ساختند واینك نیز استفاده شایان میبرند!!...

ولی تأثیر قدرت این نیرو برای دفع امراض بیشتر به معجزه شبیه است و هر شخصی باندازه قدرت خود میتواند در این علم مهارت پیدا میکند.

درازمنه قدیم حکمای موسیقی دان بودند که بآواز ، سامعان را متأثر ومحظوظ میکردند ومردم را بهرجانبی که اراده داشتند سوق میدادند.

وآواز آنها مؤثرتر به کسانی بود که رقیق القلب تر بودند .

در تواریخی که شرح حال حکماء یونان را نگاشته به ثبوت رسانده اند که حکمای آنزمان اخبار را بیان میکردند ودر عالم رؤیا خیالات مختلفه را معلوم مینمودند .

ما نمیتوانیم تکذیب مشاهدات آنها بنمائیم چنانچه در بعضی حیوانات نیز قسمی از این حالات هست که بوسیله آن حیوان میتواند چیزی از آینده بداند .

اکنون دانستیم که تأثیر قوهٔ جاذبه بدن انسان را کسی نمیتواند انکار نماید . برای اثبات میتوانید شخصاً بنظریات ودستورات این کتاب باکمال دقت توجه کرده وعمل نمائید.

نظریه دکتر ریش نیك

دکتر ریش ینك ثابت کرده است که این کیفیت در جمیع اشیاء عالم موجود است لکن هرشیی‌ای بحسب استعداد و ماده متفاوت است .

وجود این کیفیت در روشنی آفتاب ، مهتاب ، وثوابت نیزیافت شده است.

بطورخلاصه جوهریست که‌وزن‌نداردواز کیفیات‌حرارت‌وروشنی الکتریسته و قوت جاذبه زمینی‌جداست .

شرح هیپنوتیزم

امروزعجایب حسی ، سیر فی‌المنام ، تلقین ، خواب از راه دور را رویهمرفته هیپنوتیزم میگویند .

انکسی هیپنوتیزراست که بخواهد وکسی نمیتواندمنکراین نیرو شود وهرکس بخواهد میتواند این اثررا در بـدن خود پیداکند واین قدرت بیشتر در دست انسان است وقتی شما دستهایتان را بروی کتف کسی میگذارید آنشخص احساس حرارت میکندیعنی حرارت بدن شما به بدن او منتقل میشود .

حالااگراین قرار دادن دست، برای تجربیات هیپنوتیکی باشد و معمول(۱) هم حساس باشد. دراثرهمین قراردادن دست بروی کتف معمول ، فوراً احساس تنگی نفس میکند، ساقهای پایش میلرزد، سردمیشود. مثل اینکه به الکتریسته متصل شده باشد، لرزشی در تمام اعضاء بدن خود حس میکندووقتی

۱ـ کسیکه مورد آزمایش هیپنوتیکی قرارمیگیرد .

دستتان را مطابق شکل (۱) بکتف‌های معمول گذاشته بعقب بکشید اشخاص حساس با نیروی انگشتان شما بعقب کشیده میشوند . این اشخاص را میشود ازده تابیست سانتیمتر تحت اختیاردر آورد .

حتی با مانع هم میتوان ازاین نیرو استفاده کرد .

شکل (۱)

مثلا از پشت در، دیوار وغیره. برای اینکه ازقدرت این نیرو مطمئن شوید ، بدوستتان دستور دهید مطابق شکل بالادستهایش را به کتفهای شما بگذارد .

دراینحالت، بدنتان را سست نگاهدارید، کم و بیش احساس ناراحتی خواهید کرد :

هیپنوتیزم و طب

باید دانست که علم هیپنوتیزم فایده کلی دارد منجمله بسیاری از امراض مزمن مانند سردرد ، لغوه ، صرع، رماتیسم ، سیاتیك، دردهای موضعی ، هیستریك ، دردهای عصبی ، فلج ، امراض روحی ، خیالات تاریك ، جنون ، میگرن ، درد های آلرژیك و کسانی که مبتلا به بیخوابی هستند بخوبی علاج پذیر است .

درفرانسه آقایان دکتر Pallier ودکتر Dumont ودکتر Mesnet دردهای زایمان را با این علم تسکین میدادند .

همچنین کسانی را که مصیبت دیده اند با تلقین معالجه میکنند واشخاص خود سر ولجوج را نیز میتوان بااین نیرو آرام کرد .

دانستن این علم ازوظایف سنگین اطباست که برای نجات مرضی بایدتسخیر روحی کنند. بتجربه ثابت شده است که روح وجسم باهم پیوند دارند، اگرروحی مریض بود ، جسم درد میکشد ورنج میبرد وبالنتیجه مریض میشود .

اثر مغناطیس ارضی بر جسم انسان

مغناطیس ارضی اثر زیادی برجسم انسان دارد . چنانکه اکثر اشخاص هستند تا بستر خوابشان برسطح متوازی سمت‌الرأس مغناطیس ارضی و سرشان جانب شمال نباشد خوابشان نمیبرد. بسیاری ازاین اشخاص را دیده ویا شنیده ایم لیکن سبب آن معلوم نشده .

دراغلب اوقات اگر بستر مریض را بطرفیکه ذکر شد قرار بدهید از بعضی ازامراض زودتر شفامییابد .

بتجربه رسیده است هر گاه معمول دادروقت عمل مغناطیسی بنحوی بنشانید که سرش بجانب شمال و پاهایش بطرف جنوب باشد تاثیر عمل هیپنوتیکی زود تر آشکار میشود .

اساس خواب هیپنوتیك

اساس خواب هیپنوتیك دوچیز است :

۱ـ جذابیت اپراتور یا عامل یا هیپنوتیزم کننده .

۲ـ حساسیت سوژه یا معمول یا هیپنوتیزم شونده .

اپراتور یا عامل میتواند زن باشد یا مرد ، ولی معمول یا سوژه اگر زن باشد بهتر است، چون زنها زودتر تحت تاثیر نیروی هیپنوتیزم قرار میگیرند

اپراتور یا عامل

عامل بایستی در درجه اول تندرست، ولی معمول کم سن و کم بنیه باشد. اگرچه این قاعده عمومی نیست چون ممکن است مریضی سنش زیاد باشد یا مقاومت داشته باشد ولی وقتی عامل مهارتی تام داشت باندك سعی کامیاب میشود .

عامل بایستی روحیه‌ای قوی و یقینی کامل داشته باشد که بدستیاری همت و پشت کار میتواند اثر قوت جاذبه را در هر فردی از افراد پیدا کند و باید دانست که اثر قوت جاذبه بر شخص جسور القول مشکل است .

اگرچه هر شخصی میتواند اثر قوت جاذبه را بر دیگری پیدا نماید لکن هر که طاقتش زیادتر است اثر جاذبه اش بر دیگری قوی و برتر خواهد بود.

قدرت و سلامتی عامل یکی از شرائط مهم و اساسی است.

هنگامیکه عامل - معمول یا سوژه را بطرف خود متوجه میکند بایستی هوشیار، صابر و دلیر باشد و تمام توجهش را به سوژه اختصاص دهد.

اگرچه قدرت مغناطیسی در افراد انسان خواه زن باشد خواه مرد یکسان است ولی مرد میتواند بر هر دو تاثیر داشته باشد.

طرفین بایستی حضور قلب داشته باشند و مریضی که خود را در اختیار دکتر یا عامل خود میگذارد بایستی با و اطمینان کامل داشته باشد، زیرا پس از انجام دستورات قدرت و توانائی از معمول سلب میشود.

در حقیقت استفاده از این نیرو برای تماشا و کارهای تفریحی نه تنها شایسته نیست بلکه ممکن است خطراتی هم داشته باشد.

معمول و یا سوژه

بهترین سوژه ها بچه ها از سن هشت تا پانزده سالگی میباشند برای همین منظور است که در آینه بینی که رشته ای از همین علم است بچه های کم سن را انتخاب میکنند.

عموما زنهای جوان آسانتر از مرد های جوان بخواب مغناطیسی میروند سخت ترین سوژه ها از سن پانزده سالگی تا سی سالگی است بعد از این سن هرچه بالاتر روند حساس ترشده و سوژهٔ مناسبی میشوند.

برای تمرینات اولیه تا قوی شدن بایستی سوژه حساس پیدا کنید.

پس از قوی شدن خواب کردن هر کسی برای شما بسیار آسان است :

رویهمرفته سوژه های خوب کسانی هستند که خواب راحت ندارند درخواب زیاد حرکت میکنند ، همیشه متوحش هستند ، خیلی عرق میریزند ، زیاد چشمك میزنند ، چپ اند ، کسانی که اعصابشان ناراحت ومتشنج است، هیستریك ، عصبانی ، کم خون ...

اینها بهترین سوژه ها هستند ولی عالی ترین سوژه کسی است که طاقت نگاه عمیقی را ندارد وچشمانش را پائین میاندازد .

بعضی از پرفسورها معتقدند که اشخاص رنك پریده وحساس، رنك آبی را برزرد ترجیح میدهند ، اگر بطرف شمال بخوابند راحت ترند روی پهلوی چپ میخوابند ، جمعیت ناراحتشان میکند ، زنك کلیسا آنها را کسل مینماید، همیشه احساس دردی درونی دارند .

دنیای پزشکی پی برده است که ریشه بعضی امراض را میتوان درروح جستجو کرد درصورتی که درجسم بروز کرده است .

روح فرمانده وجسم فرمانبردار است.

خواب مغناطیسی

خواب مغناطیسی خوابی است که حواس باطنی بیدار است اما جسم وحواس ظاهری درخواب ومستغرق فراموشی است . شکل(۲)

درحقیقت میشود گفت خواب بیداری است و این حالت بصاحب

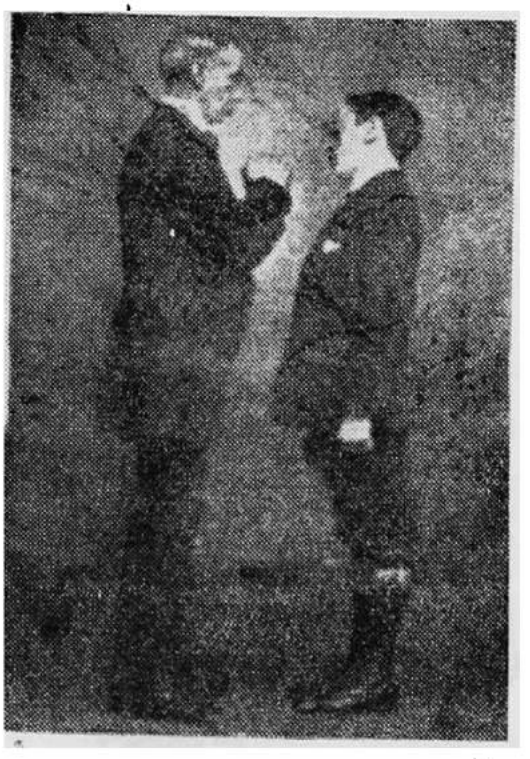

شکل (۲)

خواب زحمتی نمیرساند بلکه صحت می بخشد .

عامل اگر دراین حالت ازسوژه سؤال یا امری کند . درعدم و یا وقوع آن اگر تردید داشته باشد جواب میدهد من نمیدانم .

معمول یا سوژه چنان هوشی پیدا میکند که میتواند اشیاء مخفی را به‌بیند ، و اگر چیزی هم بدستش دهند بقوه لامسه و ذائقه و شامه تمیز میدهد. سوژه دراینحال بمنزله کوری است که چشمهایش بسته است .

دراکثر مدارج این خواب دیده شده است که برصاحب خواب بقدری کری عارض میشود که آواز تفنك رانمیشنود واینگونه کری بسته به اراده وخواهش عامل است .

وقتی سوژه را خواب میگیرد مثل اینست که کسالتی دارد ویاشراب نوشیده ولی چون صدایش کنید بطوری جواب میدهد مثل اینکه آواز دهنده را می‌بیند. هرچند که چشمانش بسته است. ولی خیالش وسعت دارد ،

رفتارش ثابت ودر کمال ادب وتهذیب است در آنحالت شعور او دوبرابر میشود مکرر تجربه شده است که صاحب خواب نسبت باوقات دیگر ملایم میشود، وهرگاه ذکر دوستی یاخویشی که ازاوجداشده بنمائید آوازش دلسوز میشود .

سوژه میتواند درخواب به هوشیاری جواب گوید ولی اسم اشخاص را نمیتواند بگوید، درصورتیکه حالت شخصی را که اسم میبرند بیان میکند .

حتی نام خود را هم فراموش کرده بجای اسم خود اسم عامل را میگوید . وحال آنکه درمراتب دیگر ازروی عقل ودانش گفتگو میکند که گویا آنرا می‌بیند وبتجربه رسیده است کسی که بخواب مغناطیسی میرود صدمه نمیخورد مگر آنکه عامل بیوقوفی سوژه را بحالتی برساند که خود بتدابیردفع آن تسلط نداشته باشد .

اثر نگاه

این دو چشمی که سایبانش مژه شماست . درزیر این سایبان نیروئی نهفته است که حرف میزند ، جواب میدهد ، سرزنش میکند ، حکم میکند ، عکس قلب شما را با همه خوبیها و بدیها منعکس مینماید ! دلی را میسوزاند، در اعماق روح نفوذ کرده یادگارهای قلب مرده را دوباره زنده میکند، همین نگاه ، همین دو شعله که جای زبان را میگیرد و جذب میکند. اگر با تمرین همراه باشد محال است کسی آنرا تحمل نماید .

افکار شما را وارد مغز مریض یا سوژه مینماید . اراده اش را فلج میکند ، حالتی در سوژه پیدا میشود که تسخیر (Fascination) نامیده میشود. وقتی عاملی در چشمان معمول نظر میکند ، ناچار رعب وانفعالی در شخص معمول ظاهر میشود وحرارتی در بدنش تولید میگردد که خواب براو مستولی میگردد ، ویا باصطلاح کششی بسوی عامل پیدا میکند که از آن نمیتواند خودداری نماید .

برهمنان هندوستان و کاهنان قدیم مصر و یونان واقف وماهر در عمل مغناطیسی واثر نگاه بوده واز این نیرو استفاده فراوان میبردند.

چطور چشمان را قوی میکنند

اگر مدت یکربع هر روز بدون چشمك زدن بیك نقطه خیره شوید ، وچشمتان که پر ازاشك شد یك چشمك کوتاه زده دوباره ادامه دهید ، دراثر همین تمرین چشمان شما قدرت پیدا میکند، وحتی میتوانید یك ساعت بدون مژه برهم زدن بنقطه‌ای نگاه کنید .

البته کافی نیست که اگر چشمان شما قوی باشد هیپنوتیزر شوید چون بعضی ازسوژه ها لجوج هستند ودرچشمان شما نگاه نمیکنند .

دراینحال بایستی ازپاس‌ها و تلقین صوتی که شرح میدهیم کمك بگیرید دراثر مداومت درتمرین بتدری قوی میشوید که بآسانی قوی‌ترین اشخاص درمقابل شما مقاومت خود را ازدست خواهندداد .

امتحان با چشم

برای اینکه قدرت چشمانتان را امتحان کنید .

شخصی را انتخاب نمائید و بدون چشمك زدن در چشمانش نظر کنید ، اگر چشمانش پر از اشك شد و طاقت نگاه شما را نداشت

هیپنوتیزابل است یعنی برای امتحانات شما حساس است. بعضی اشخاص با همین نگاه بخواب میروند.

برای امتحان هیپنوتیکی، در مقابل سوژه بایستید و بگوئید دستهایش را بروی دستهای شما مطابق شکل ۳ قراردهد و بازوانش را نرم نگاه

شکل (۳)

بدارد، بعد بگوئید دستتان را پائین بیاورید. اگر دستهای سوژه بپهلوهایش بطرف پائین افتاد. برای خواب هیپنوتیکی استعداد زیادی دارد.

ولی اگر دستهای او درهوا معلق ماند. سوژهٔ قوی است و برای خواب کردن او راه‌های دیگری هست که شرح خواهیم داد.

خواب با القاء لفظی

درزندگی عادی تن‌صدای‌اشخاص و ادای کلمات درشنونده‌تاثیر دارد سخن قدرتی داردکه باآن میتوان دلی را بدردآورد ! یانولید درد های شدیدتری کرد،ویااینکه دردی را تسکین داد .

همین سی و چهار حرف الفباء خودمان ، اگردرجای خود جمع شوند، اثر آهن ربا را دارند. باصطلاع‌معروف، سخن کزدل بر آید لاجرم بردل‌نشیند اگرطبیبی راه قلب‌مریضش‌را یافت درمانش آسان میگردد .

این جملات مجموعه همان‌است که میگویندحرف بردل اثرمیکند

گاهی شما بدون اراده با حرف مجذوب طرف میشوید .

اگر بپرسند چرا ؟ . .

جواب خود را نامفهوم ترونارسا ترمیدهید . نمیدانم ...

این حرف است که درشماتاثیر کرده .

اگردرامتحانات هیپنوتیکی القاء لفظی نیز با حرارت ادا شود معمول مجبور باطاعت میشود .

اینهم یکی‌ازاسرار پیشرفت‌بشراست که‌باحرف بکالبدانسانی‌دست یافته وباکلمات فریبنده‌روحش را تسخیرمیکنند .

چگونه بدون سوژه عامل قوی میشود؟

اگرسوژه ای دردسترس شما نباشد : در اطاقی تنها بروید ، یك تکه کاغذ رابا سنجاق بدیوار بزنید.
وجلوی کاغذبایستید (مطابق شکل٤) وفکر کنید که کاغذسوژه شماست.

شکل (٤)

دستتان رابروی کاغذ بگذارید وبطرف خود بکشید .

وبا تمام قوابخواهید که کاغذ بطرف شما بیاید .

اگراین تمرین راروزی پنج دقیقه ادامه دهید خیلی قوی میشوید. یااینکه پشت یك صندلی بایستید، خیال کنید سوژه شما تختهٔ پشت صندلی است همانطور که درزندگی گاهی فکر میکنید طرف شمایك تکه چوب بزرگ است ! وهیچگونه احساسی ندارد . تخته پشت صندلی را سوژه قراردهید وتمرین کنید تا عاملی قوی شوید .

ژست LE GESTE

پاس دادن ببدن سوژه را بوسیله عامل ژست گویند . بدن ما نیروئی دارد باسم منیتیزم MAGNATISME که مدتهاست شناخته شده واین نیرودر بدن همه کس موجود است . منتهی بیشتر درنوك انگشتان اشخاص میباشد .

این نیرو غیراز نگاه وتلقین است . با همین قدرت میتوان سوژه هیپنوتیزابل را پیدا کرد .

دستتان را بگذارید بروی کتف های دوستانتان وامتحان کنید. همانطور که در شکل یك شرح دادیم این نیرورا بآسانی میتوان درخود پیدا کرد . با همین قدرت فوق العاده ونیروی انگشتان است که طرف (معمول) بخواب میرود.

اگر دست با بدن سوژه تماس نداشت آنرا پاس فاصله ای میگویند .

پاس دادن باین ترتیب است که :

جلوی سوژه یا مریض بنشینید ، با هردوزست از شانه های او تا

پشت دست ها پاس دهید یعنی دست را از شانه با تماس تاپشت دست بیاورید ودوباره ادامه دهید . مطابق شکلهای ۵و۶.

بعد برای بیدار کردن، پاس بعکس یعنی از پشت دست تا شانه بادستتان پاس دهید . بالاخره برای اینکه از این عملیات استفاده طبی شود سعی کرده اند که بهر ترتیب که شده مریض را بخوابانند. برای اینکار گلوله معروف

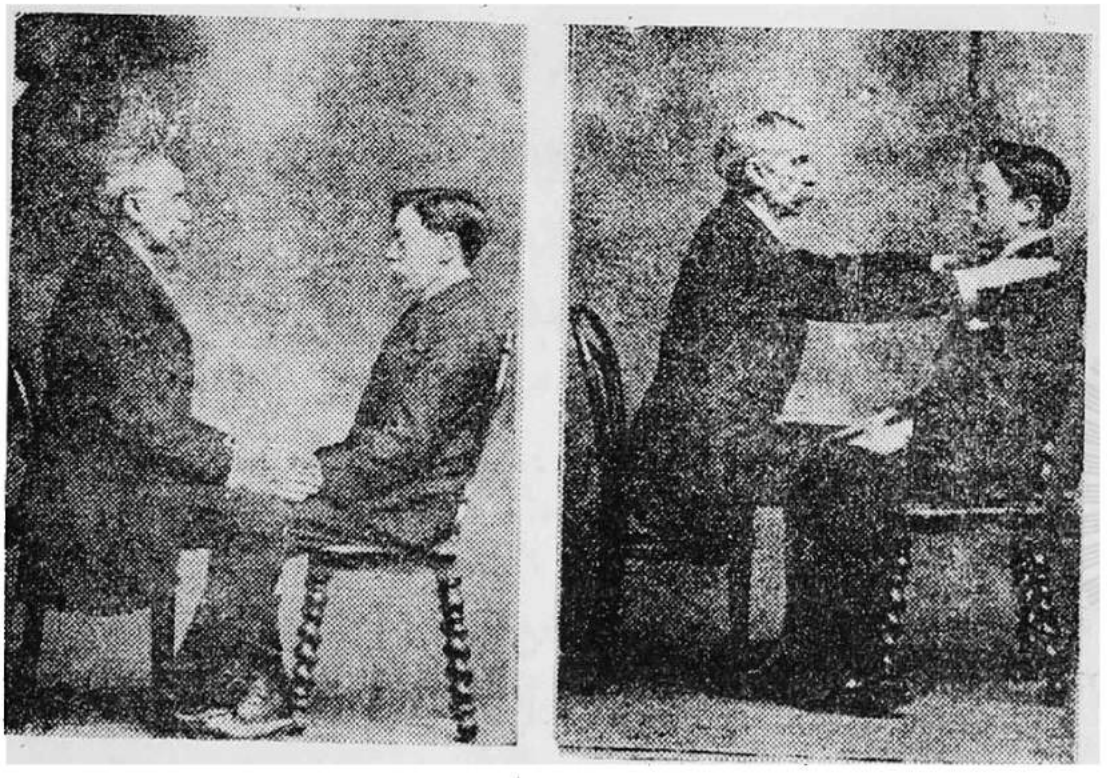

شکل(۵) شکل(۶)

هیپنوتیکرا بکارمیبرند. گلوله هیپنوتیك گلوله ایست درخشان با تراش بسیار که آنرا درجلوی چشمان سوژه نگاه میدارند. تا بخواب برود، همچنین ازلامپهای منیزیم، ویاازروشنائی قوی استفاده میکنند.

خیال LA PENSSE

این چهارحرف ساده قدرتی دارد که میتواند امواج را بشکافد، از اقیانوسها بگذرد ؛ باهر آب وهوائی بسازد. شب وروز هم نمیداند. اوج میگیرد ... میرود . . میگردد... تا ... تاکجا ؟ . .

خلاصه‌هرچه هست گاهی‌هم‌شمارا با قدرتش میبرد .

درجمعی‌نشسته‌اید می‌شنوید ومی‌بینید، ولی‌قدرت خیال، شمارا برده‌است، همین‌چهارحرف که‌به‌رادارومخترع‌رادارنمره صفرداده‌است . مثلا اگر کسی‌طرف محبت شماست‌ازفرسنگهابحضورت میاورد، و باهمان قیافه و لباسی‌که مورد مهرشما واقع شده بودجلوی‌چشم شما مجسمش میکند. ایام را خورد میکند

گاهی حرفی میزنید، وجواب‌هم میدهید. جواب‌خیال‌خودرا !... ولی‌خیال‌زود ترازاینکه شماحس کنید میگریزد! میرود.

آیااین مسائل را میتوان‌شکافت ؟...

و یاهمیشه بشر دست از سکوت و نشان دادن علامت استفهام بر نمیدارد؟ نمیدانم !...

شاید روزی بشر قدرت آنرا پیدا کند و این مسائل را حل کند!...

اگر شما بخواهید با قدرت خیال افکارتان را وارد مغز سوژه یا مریضی بنمائید اشکال دارد ؟...

نه . . . بهیچوجه . اگر بخواهید بـا همین قدرت حرف شما را بپذیرد ، با دیده خیال مثل اینکه فکرتان با میخ بسوژه متصل است روح اورا بکشید وازخود اطمینان داشته باشید .

با اراده قوی میتوان مسیر فکر وروح دردناکی را بجای دیگر توجه داد .

باید اول بیداری آموخت

خواب مصنوعی دروقتی نتایج بد میدهد ، که عامل بی وقوف و اطلاعی برای تجربه یا تفریح خاطر ، کسی را خواب کند .

چون معمول بخواب میرود متعجب میشود . هرگاه بخواهد اورا بیدار کند مضطرب و ترسناك میگردد ، بسبب آن سوژه زیاده ازحد صدمه میکشد . زیرا دراین حالت طبیعت عامل ومعمول مشترك است .

چون عامل دستپاچه ومضطرب میشود حال معمول بدتر میگردد.

پس مناسب نیست که کسی امتحان کند، مگر آنکه تمام رموز این علم را بیاموزد ویا اپراتور با تجربه‌ای باخود داشته باشد .

نفوذ حرارت مغناطیسی

طریقهٔ حرارت مغناطیسی و انتقال آن از جسم عامل ببدن معمول اینست که عامل دستهای سوژه را در دست بگیرد بطریقی که :

دست راست بدست چپ و دست چپ بدست راست باشد. در اینحالت قوت مغناطیسیه از دست راست عامل بدست چپ سوژه و از آنجا ببازوی چپ معمول سرایت کرده و بعد از سینه او گذشته ، از طرف بازوی راست معمول بدست چپ عامل میرود و باز از آنجا بطرف بازوی راست سوژه سرایت میکند . یعنی بصورت یك حلقه تمام میشود .

در بعضی اشخاص این قوت جاذبه بقدری، سریع است که اگر اندکی طول بکشد سوژه بحالت اغماء و بیهوشی میافتد .

ولی هر گاه عامل دستهای معمول را بعکس طریقهٔ مذکور یعنی دست راست را در دست راست و دست چپ را در دست چپ بگیرد در اینصورت قوه مغناطیسیه هر دو متناقض و مخالف یکدیگر میگذرد. چون سوژهٔ حساس تاب تحمل ندارد در اینصورت اتحادی درمیان عامل و معمول پیدا میشود

که معمول‌را مطیع اوامرعامل مینماید .

دراینحالات‌است که‌ازطرف‌عامل روشنی‌ای‌معمول‌راا‌حاطه‌میکند و بسبب همان روشنی است، که معمول بااینکه چشمانش‌بسته است‌اشیاء مختلف را می‌بیند .

شکی‌نیست که حالت غایب‌بینی‌ای که بر صاحب خواب مستولی میگردد فقط باین کیفیت است :

(شخصی‌درخواب‌مصنوعی‌وچشمانش‌نیزبسته بود کاغذی جلوی او گذاشتند مینوشت ، از او جویا شدند چگونه میبینی ؟ جواب داد که از بدن عامل‌شعاعی برخاسته ، از بدن منهم نیز شعاعی خروج میکند که از اتصال هردو همه چیزرا می‌بینم .

سحروجادو

سحروجادوئیکه درازمنه‌قدیم دراکثرممالک‌رواج داشته ازقبیل همین دوربینی بوده است.

کاهنان مصروبرهمنان هندوستان دراین‌عمل ماهربودند واز غیب خبر میدادند هرگاه کسی درقدرت‌جاذبه‌استادی ماهرشود، حتی‌میتواند صورت‌خودرا درانظارتغییردهد یعنی‌طرف‌رابامهارت‌خواب کند .

شخصی نزد یکی ازحکماء معروف عصرخود دکتردارالك رفت، بمحض ورود دکترحالتی بر آن شخص‌نمودار کرد که‌بکلی‌سلب‌ذهن‌ازوشدوهر چیزرا برعکس میدید. مثلا میزوصندلی را که میدید بنظرش میآمد که اززمین بآسمان عروج میکند. وازاین‌قبیل‌چیزها ...

درزمان‌جاهلیت کسانی که واقف‌باین‌علم بودند مردم را بمشاهدهٔ

این عجایب دعوت ودر ورطه ضلالت و حیرت میانداختند . این دسته ازمردم خیال میکردند که اینها ساحرند ویا شیطان مطیع آنهاست .

یا اینکه مردم مافی‌الضمیرخود را از آنها سؤال میکردند جواب مطابق سئوال‌می‌شنیدند، فوراًاعتماد کلی به‌آنها پیدا کرده چون بنده‌ای مطیع ومنقاد میشدند، ودرصورتی که هیچ چیز بجزقدرت اراده وعلم در آنها نبود . این همان قوه مغناطیسی است که میتواند چنین قدرتی را داشته باشد .

شکی‌نیست که دراین زمان‌هم‌اشخاصی‌هستند که با داشتن صفای باطن، باندك غوروتعمق‌اشیاء غائب را می‌بینند ودربعضی‌اوقات ازکثرت قوهٔمتخیله اجساد واموات‌را نیزمجسم میکنند .

دکتر ریش‌نیك عقیده اش‌این‌بود که سبب پیداشدن اجنه واشکال آن‌اینست که نسبت بصفای‌باطن وتزکیه نفسی که‌دارند، احوالات‌آینده را معلوم می‌نمایند .

متد های هیپنوتیزم

متد پرفسور الیس ELYSS

پرفسور الیس این طریقه را برای خواب کردن بکار میبرد :

شخصی را که میخواست خواب کند دستور میداد، راست بایستد، بطریقی که سر بالا، دستها بطرفین بدن آویخته زانوان متصل بهم. سوژه دراین حالت که قرار گرفت با او هیچ صحبت نمیکرد بلکه آهسته بپشت سر او میرفت و شانه های سوژه را کمی مالش میداد آنگاه دستش را بفاصله ده سانتیمتر دورتر از کتفهای سوژه نگاه میداشت. مثل اینکه سوژه بکف دستش چسبیده باشد بطرف خود میکشید. مجدداً دستهایش را بفاصله ده سانتیمتر دور از کتف های سوژه نگاه میداشت.

اگر سوژه بعقب متمایل میشد (مطابق شکل ۷) مطمئن میشد

شکل (۷)

که سوژهٔ حساس را پیدا کرده، البته دستهایش را حائل بدن او نگاه میداشت که زمین نخورد .

متد پرفسور ژسمن GESMEN

پرفسور ژسمن جلوی سوژه می نشست و یا میایستاد سپس دو انگشت شست اورا دردست میگرفت (مطابق شکل ۸) ودستور میداد دستش را

شکل (۸)

فشار بدهد... بیشتر ... بازهم بیشتر...

بعد با صدای ملایمی اظهارمیکرد نمیتوانی دستت راازدست من جداکنی .

مجدداً با دست چپ دست راست‌سوژه‌را مالش میداد چند دقیقه درهمین حال‌باقی میماند . آنگاه بروی دست او فوت میکرد ومیگفت: حالا دستت جدا میشود ، اگرسوژه ای دستش را پائین میانداخت این سوژه را انتخاب میکرد .

البته این پرفسوراشخاص عصبانی ورنك پریـده وکم خون را بر دیگران ترجیح میداد ومعتقد بودکه بهترین سوژه اینها هستند .

سقوط بعقب سر با تلقین لفظی

بعضی اشخاص بقدری حساس هستند که باحرف مقاومتشان رااز دست‌میدهند . سوژه حساسی راانتخاب کنید و بگوئید : وقتی من‌میگویم یك ... دو ... سه ... بعقب سر کشیده میشوی وقدرتی بدن شما را بعقب می برد .

بعد برای عمل جلوی سوژه بایستید ، در چشمانش عمیقانه نگاه کنید(مطابق شکل۹) و بگوئید :

شکل (۹)

« یك ... دو ... سه ... بعقب کشیده میشوی » .

سوژه حساس با این امر کوچك عقب کشیده میشود. ولی فوراً دستتان را حائل قرار دهید که زمین نخورد .

سقوط بعقب سر باتسخیر نگاه

جلوی سوژه بایستید بگوئید فکر کند که بعقب میافتد عمیقانه در چشمش نظر کنید و آهسته آهسته نزدیك بروید (مطابق شکل ۱۰)

شکل (۱۰)

معمول حساس را، قدرت نگاه شما بعقب میبرد مواظب باشید مچ دستش را بگیرد نیافتد .

سقوط با کشش منیتك ـ تسخیر و تلقین

جلوی سوژه بایستید دستهایتان را بسینه او بگذارید، و بگوئید بجلو کشیده میشوی . بعد با آهنك مهربانی اضافه کنید نگاه چشمان شما من

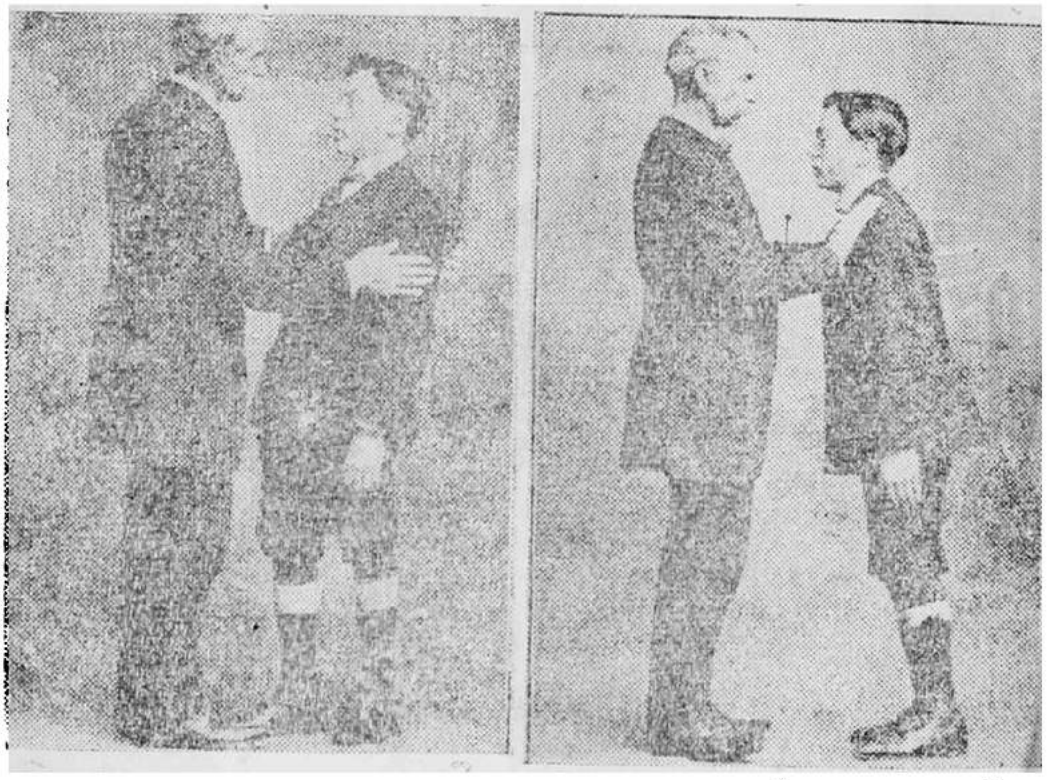

شکل (۱۱)

شکل (۱۲)

را بجلو میکشد ، نترسید ... نترسید . . سپس با ملایمت اورا بجای خود نگهدارید. (مطابق شکلهای ۱۱و۱۲)

بازانو بروی صندلی بنشانید

عمیقانه درچشم سوژه نگاه کنید و با کمال مهربانی بگوئید بازانو

شکل (۱۳)

بروی صندلی بنشین.

صندلی را نشانش دهید (مطابق شکل ۱۳) یك حالت گیجی دارد ولی

حواسش کاملا بجاست بازانو بروی صندلی می نشیند، چشم ازو برنگیرید .
بگوئید دستش را بروی میز بگذارد (مطابق شکل ۱٤) آمرانه فرمان

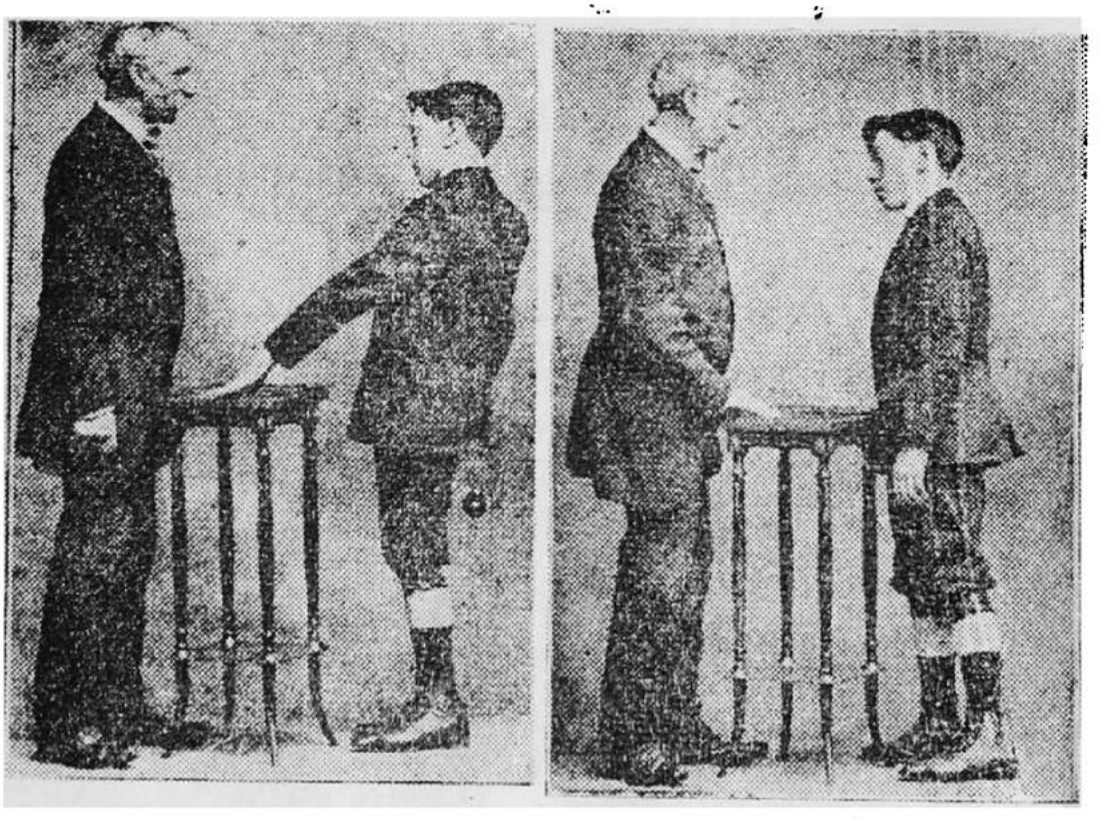

شکل (۱٤)

شکل (۱۵)

دهید دستت بمیز چسبید. سوژه ای که مسحور چشمان شماست هیچ قدرتی ندارد. بعد امر کنید دستش را از میز جدا کند (مطابق شکل ۱۵) و بسرعت دور میز بچرخد .

زانوانش را خم کنید

جلوسوژه بایستید، عمیقانه درچشمانش نظر کنید و بگوئید :
هروقت من زانوانم را خم کردم (مطابق شکل۱٦) شما هم بحرف

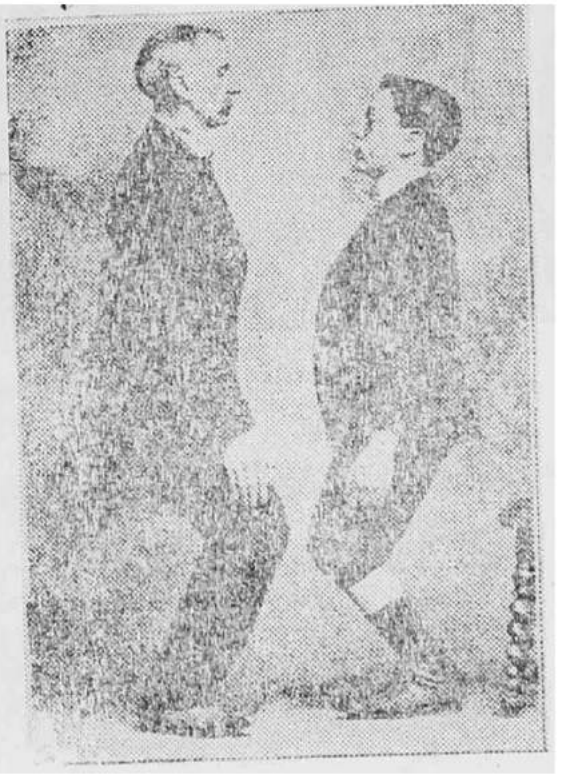

شکل (۱٦)

من گوش بدهید وزانوانتان را خم کنید ..خم کنید... بیشتر... بازهم بیشتر...
بسیارخوب حالا بایستید .

عصائی را بدست سوژه بچسبانید

جلوی سوژه بایستید نگاهتان را ازو برنگیرید وفرمان دهیدعصا بدست او بچسبد (مطابق شکل ۱۷). یااینکه دستور دهید مچش را ببندد و باز نکند (مطابق شکل ۱۸) و یا انگشتان او را ازهم باز کنید، درتمام

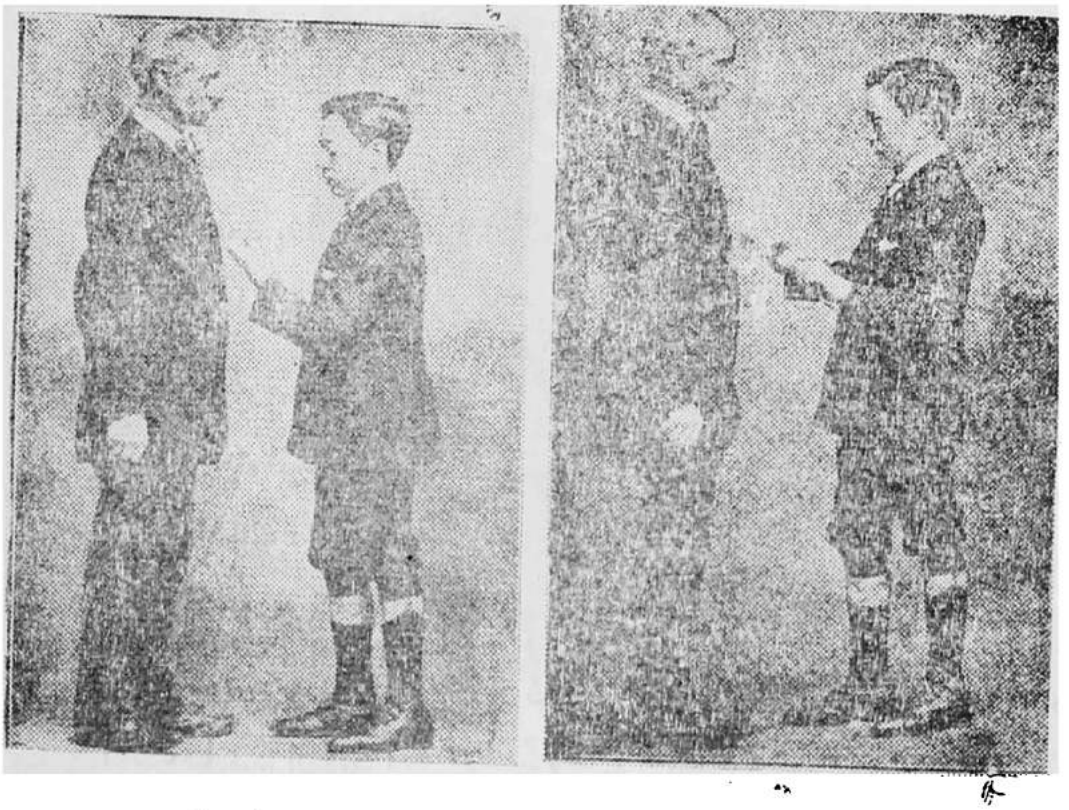

شکل (۱۷)　　شکل (۱۸)

این مدت چشمان شما بایستی عمیقانه و بدون چشمك زدن به سوژه نگاه کند.

دهان سوژه را باز کنید

بسوژه‌دستوردهید که دهانش راباز کند عمیقانه‌درچشمانش نگاه کنید ومرتب تلقین‌لفظی کنید : دهانت راباز کن... کمی‌بیشتر... بازهم... باز هم بیشتر. ...

آه !... دیگرممکن نیست بتوانی دهانت را ببندی عضلات دهان شما بی‌حس‌شده اند . هرقدرسوژه سعی کند ممکن‌نیست بتواند دهانش رابه بندد .

بعد با لحن آرامی بگوئی زبانت را خارج کن .زبانش را خارج میکند . اگرقدرت ندارد زبان را دردهان خودببرد . سوژه دراختیار و بفرمان‌شماست .

میتوانید دستوردهید طعمی را احساس کند مثلا شوری ـ ترشی : طوری سوژه اخم میکند مثل اینکه واقعاً چیزترشی میخورد و یـا نمك زیاد ناراحتش کرده است .

ویامیتوانید تلقین کنید که‌با لکنت‌صحبت کند، اخم کند ، حروف الفباء را تکرار کند ، خنده کند ، گریه کند ...

تمام این عملیات را سوژه ای انجام میدهید که اولین مرتبه که دستهای شما بروی کتف های اوقرار گرفت بعقب کشیده‌شود .

کارت را بدست سوژه بچسبانید

طبق دستور سابق جلوی سوژه حساس خود بایستید: بگوئید کارت

شکل (۱۹)

ویزیت مرا بردار ولی بدستت می چسبد سوژه میرود کارت ویزیت را برمیدارد نمیتواند بدست شما بدهد (مطابق شکل ۱۹)

دیا دستوردهید (مطابق شکل ۲۰) دستش کشیده شود باهمین عملیات ممکن است مریض لمسی را نجات داد .

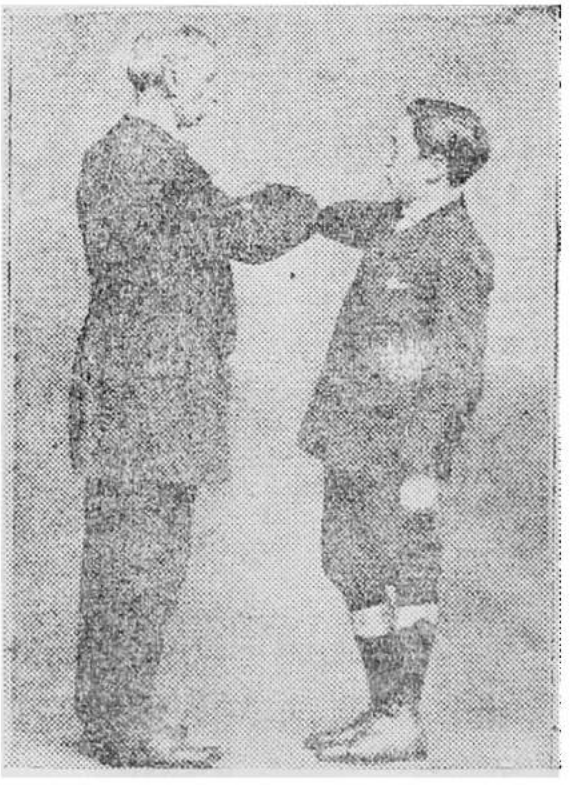

شکل (۲۰)

سوژه های حساس هرعملی را آسان انجام میدهند ولی چون منظور سلامتی افراد است ، بعداً بامتدهائی که شرح میدهیم میتوان اشخاص را خواب کرد ولی بعضی اوقات مریض خیلی مقاومت دارد .

اینك متد استادان وپزشکان مختلف دنیا راتاروزی که این کتاب چاپ شده شرح میدهیم امید است که ازاین نیرو استفاده طبی برده شود ودرد های جسمی وروحی شفایابد .

حالا خواننده عزیز هرمتدی راکه می‌پسندید انتخاب کنید :

با نیروی انگشتان ، با قدرت چشمان ، با تلقین لفظی، پاس ویا تسخیرروحی . ولی اگر احیاناً برخوردید بمریضی که قدرت فوق‌العاده دارد باگلوله معروف فورنیه که بگلوله خواب مصنوعی معروف است اقدام کنید.

دردنیای امروزروانشناسی طبی یکی ازدستیاران معالج وخدمتگزار مؤثرجهان میباشد .

شماهم ای پزشک ارجمند، پس ازقرائت این کتاب ممارست وتمرین زیادبنمائید، تابااستفاده ازاین نیروخدمتی بهمنوعان خود کنید.

متد دکتر ریشه Dr RICHET

دکتر ریشه جلوی سوژه می نشست ودرمیان دوچشمش نگاه میکرد وبا لحن ملایمی میگفت وقتی من شما را مینگرم پلکهای شما سنگین میشوند: سنگین شدند... خم شدند... بسته شدند... چشمانتان را به بندید

بعد دودستش را بالای سرسوژه یامریض میبرد چندپاس بدون تماس مطابق شکلهای ۲۱ و ۲۲ از بالای سرسوژه تاسرمعده راپاس میداد، درضمن

شکل (۲۱)

شکل (۲۲)

تلقین میکرد : بخواب ... بخواب ... بخواب. بعد دربیخ گوشش میگفت : خیلی عمیق بخواب .

ضمناً سعی می کرد مریض تانیم ساعت بخوابد اگر بخواب نمیرفت روز بعد درهمان ساعت این عملیات را تکرار میکرد .

بعضی اشخاص ظاهراً قوی هستند ولی پس از چند ثانیه بخواب میروند مواظب باشید وقتی که پلکها بهم میخورد شروع خواب است ، باین اشخاص پاس دادن لازم نیست این نوع خوابهای مصنوعی برای کسانی که خستگی اعصاب دارند بسیار نافع است .

ولی فراموش نکنید در گوش مریض بگوئید وقتی بیدار شدی احساس خستگی نخواهی کرد ، ناراحتی اعصاب شما حتماً مرتفع میگردد .

متد دکتر برن هایم Dr BERNHEIM

جلوی سوژه یا مریض بنشینید مثل اینکه قلبش را گوش میدهید زانوانش را درمیان زانوان خود بگیرید. درچشمانش نظر کنید، یك کلمه هم حرف نزنید (مطابق شکل ۲۳)

شکل (۲۳)

واگرچشمان مریضتان پرازاشك شد باصدای تحکم آمیز بگوئید بخواب ... بخواب ... پس ازبیداری هیچ دردی نداری.

متدوم دکتر ژسمن Dr. Gesman

جلوی سوژه بنشینید.

اول دستهای اورا دردست بگیرید عمیقانه درچشمش نگاه کنید وبگوئیداگرخوابش گرفت مقاومت نکند.

ازسرتا سینه اش را پاس دهید (ازدوناده دقیقه) وقتی خوابش برد سرتان را خم کنید نزدیك گودی معده (Cre Ux De Lestomae) (مطابق شکل ٢٤) وبگوئید می شنوی؟ چهارتا پنج مرتبه تکرار کنید.

شکل (٢٤)

بندرت اتفاق می‌افتد که جواب ندهد، باصدای بسیار ضعیف جواب خواهد داد، آنوقت موقعی است که هرچه میل دارید از او سؤال کنید بعضی آلام و دردها در قلب می‌ماند اگر مریض حرف بزند شفا می‌یابد

متد تسخیری

دانت Danto . وربرك Verberk . اونوفوات Onofoit . تست Teste . دکتر ماند Dr. Mande و غیره

دکتر ماند و علمای هیپنوتیزم با نگاه تسخیر میکردند. جلوی مریض یا سوژه مینشستند یا میایستادند، هرطوری که مریض راحت بود، بعد آنقدر نگاهش دامه میدادند تا چشمان او بسته میشد شکل. آنوقت تلقین

شکل (۲۵)

میکردند. واز دردی که مریضشان شاکی بود نجاتش میدادند.

متد دکتر بوردوویل

Dr' Bourdeville

این دکتردرعملیات خود علاوه بر تسخیرنگاه شست های سوژه را دردست میگرفت اگراحیاناً مریض یا سوژه اوبخواب نمیرفت با دو

شکل (۲۶)

دست بروی کره چشم(Globesoculaire)(مطابق شکل۲۶) کمی فشار میداد ووقتی که مطمئن میشد مریض در خواب هیپنوتیك است تلقین میکرد و سلامتیش رابرمی گرداند .

متددکتر پیکمان Dr. Pikman

دکتر پیکمان یکی ازمشهورترین هیپنوتیزرهای دنیا باین ترتیب مریضش رامیخواباند: دستورمیداد مریضش بایستد، دستش را روی شانه چپ مریض میگذاشت. سپس دردست چپ خود شیی‌ای درخشان بفاصله دوتا ده سانتیمتر ازسر مریض نگاه می‌داشت وبمریضش دستورمیداد بآن

شکل (۲۷)

شیی‌ء درخشان نگاه کند (مطابق شکل ۲۷).

وقتی که پاهای مریض می‌لرزید دستش را بپشت او حائل می‌کرد که نیافتد.

متدرناتو Rhenato

این هیپنوتیزر مشهورهم‌مثل دکتربیکمان مریض را می‌خواباند منتهی دوانگشتش‌را جلوسوژه‌نگاه می‌داشت واظهارمی کرد که‌قدرتی درنوك انگشتان من‌موجود است که شما را بعقب می کشد و درضمن مواظب سوژه هم بود .

متددکترهانسن Dr. Hansen

این هیپنوتیزر معروف این طریقه را می‌پسندید: چانه سوژه را می گرفت وباچشمان‌قوی‌خود نگاهش‌میکرد، آنقدرنگاه کردن‌راادامه میداد تا مریضش می‌خوابید آنوقت باملایمت اورا درجای راحتی‌می‌خواباند وهرچه برای‌سلامتی‌مریض درنظر گرفته بود القاء میکرد .

متدژرلن Gerlin

سوژه راپشت بروشنائی بنشانید وبگوئید فکر کندکه میخوابد. درچشمانش نگاه کنید وباآهنگ یك‌وزن، که بلندوکوتاه نشودبگوئید سرت سنگین شده ، آه چه زودپلکهایت‌خم میشوند . بعد ازبالای‌سر تاسرمعده اورا پاس‌دهید ، پس‌ازپاس‌دادن دست راست راروی سرسوژه (مطابق شکل۲۸) بگذارید ومرتباًتلقین کنید وکمی‌هم برروی کره‌چشم سوژه‌فشاردهیدواورا درجای راحتی بخوابانید .

شکل (۲۸)

متد کشیش فاریا

کشیش فاریا سوژه راجلوی خود مینشاند و می گفت بهیچ چیز فکر نکن مگر بخوابیدن .

شکل (۲۹)

عمیقانه نگاهش می کرد تا ده دقیقه بعد یکمرتبه دستهایش را پائین میآورد و با فریادمی گفت :

سوژه عزیز فورا بخوابید، بعد یکدست را می گذاشت روی پیشانی سوژه (مطابق شکل ۲۹) ومی گفت می خواهم راحت بخوابی .

متددکتر لیباوید Dr. Libawid

دکتر لیباوید دستش را می گذاشت روی پیشانی مریضش (مثل کشیش فاریا) و با کف دست چشمان او را می‌بست و می گفت خواهش می کنم ، فکر کنی که فوراً میخوابی .

پس از پنج دقیقه دستش را از روی چشمان او برمیداشت و با محبت میگفت می‌دانم که می‌خوابی، ولی می‌خواهم وقتی بیدار شدی احساس دردنکنی.

متد دلوز Delouze

هیپنوتیزر معروف دلوز سوژه را در مقابل خود می نشاند، بطوریکه پاهایش متصل بهم باشد. بعد پاهای خودرا در پهلوی پای سوژه قرار داده، دو دست او را نیز (مطابق شکل ۳۰) در دست می گرفت و در چشمانش نظر می کرد.

شکل (۳۰)

در اینحال دستهایش را بالای سر سوژه می برد. و از شانه تا نوك انگشتان او را باتماس تمام کف دست پاس میداد .

سپس دو دست را میگذاشت سر معده سوژه، بطوری که شست سر معده و بقیهٔ انگشتان در اطراف آن قرار گیرد .

دو دقیقه صبر می کرد ، آنگاه دست را روی سر سوژه . قرار داده از بالای سر تا سر معده را پنج ـ شش مرتبه پاس می داد . و پاسها را تا رانهای سوژه آنقدر ادامه میداد تا سوژه بخواب عمیقی فرو میرفت .

متدموتن Moutin

موتن این طریقه‌را انتخاب میکرد . البته چشمان بسیار قوی داشت. شست‌ه ی سوژه‌را دردست می گرفت، ده‌دقیقه الی یکربع درچشمهای سوژه نگاه می کرد . اگر سوژه حساس بود فوراً بخواب میرفت ولی اگرمقاومت‌داشت یکدست‌را به‌پیشانی‌سوژه‌ودست دیگررا پشت گردن او گذاشته ، (مطابق شکل ۳۱) چند دقیقه در اینحال باقی‌میماند .

شکل(۳۱)

و سوژه را بآرامی مینشاند ، بعد ازپشت گردن تا باسن ورانهای سوژه را پاس می‌داد سپس دست راست‌راجلوی‌او نگاه داشته،ازمقابل‌دماغش آهسته تابرابرسینه (Lepicastre) مقابل می آورد (مطابق شکل۳۲) سوژه‌بخواب عمیقی‌فرومیرفت سپس‌اورا بحرف وامیداشت و سؤالات را شروع می کرد.. آنگاه با پاس های استردادی‌بیدارش می کرد.

شکل (۳۲)

متد برد Braid

هیپنوتیزری که خیلی حوصله نداشت سوژه‌خود رامینشاندو گلوله هیپنوتیك را (مطابق شکل۳۳) آنقدر درمقابل چشمانش نگاه‌میداشت تا

شکل(۳۳)

می‌خوابید .سپس شروع می کرد بصحبت کردن ودستورادادن .

متدد کتر لیه بانژان توام با متد برد

Liebengen et Braid

این دکتر معروف کم حوصله مثل دوستش برد، عملیات خود را با متداو توأم میکرد یعنی مثل متد برد سوژه را می‌نشاند گلوله را بدست سوژه داده دستور میداد آنقدر نگاه کند تا بخوابد . (مطابق شکل ۳٤)

شکل (۳٤)

بعد دستش را روی سر مریض یا سوژه می گذاشت و می گفت : من می‌خواهم وقتی بیدار شدی ، مثلا فلج پاهای تو از بین رفته باشد . میفهمی میفهمی... غیر از این نباید باشد .

هیپنوتیزم با تلقین لفظی از راه گوش

بعضی سوژه‌ها بیشتر از راه گوش حساس هستند، صدای گوش منقلبشان میکند. یعنی حرف بیشتر در آنها اثر دارد. مثلا کافی است پشت سر سوژه بایستید و بگوئید که به پشت میافتد.

سوژه حساس با حرف بعقب کشیده میشود البته بایستی مواظب باشید که زمین نخورد.

هیپنوتیزم با ساعت

سوژه را جلوی خود بنشانید، مانند متد پرفسور ژسمن، سپس یك ساعت روی پیشانی‌اش گذاشته بگوئید چشمانش را به‌بندد و به‌تیك‌تاك ساعت گوش دهد و بخوابد. تیك‌تاك ... تیك تاك ...تیك تاك ... بعضی سوژه‌ها در چند دقیقه میخوابند.

متد دکتر شارکو Dr. Charcot

دکتر شارکو مریض را باین ترتیب میخواباند:

جلوی مریض می نشست، یك مرتبه بدون خبر قبلی نوری قوی در چشمانش میانداخت، یا اینکه پارچه‌ای آغشته بآمونیاك زا زیر دماغش میگرفت.

و یا باشدت بروی یك دیا پازن میزد. فوراً مریض بحال بـاداءالجمود (Cathalepsie) میافتاد

هیپنوتیزم در منطقه هیپنوتیزابل

منطقه هیپنوتیزابل یعنی قسمتی از بدن که بیشتر حساس است .

در اثرامتحان میتوان این منطقه را در اشخاص پیدا کرد ، مثلا بعضی‌ها نوك انگشتانشان حساس ، وبرخی آرنجشان حساس است. بالاخره دراشخاص فرق میکند .

اگر دکتر ویاهیپنوتیزری این منطقه حساس راپیداکرد بآسانی میتواند بایك حرکت ساده شخصی رابخواب عمیقی ببرد .

متددکتر ژ. بونه Dr. G. Bonnet

دکتر ژول بونه میگوید :

من بمریضی برخوردم که باکمك علم‌طب میتوانستم او را نجات دهم ، حالت روحی و جسمی این مریض که بی اندازه رنج میبرد مرا تحت تاثیرقرارداد ، احساس میکردم که باتمام قوا مایلم این‌مریض را نجات‌دهم.

بسراغ‌متدهای پزشگان وپرفسورهای هیپنوتیزم رفتم . آنقدر صبر و حوصله بخرج دادم تا مریضم رانجات دادم .

اینك خلاصه عملیاتم‌را شرح میدهم :

برای سوژه یا مر ض ایستاده یانشسته‌فرق نمیکندولی اپراتورها اغلب راحت ترند بایستند بعضی ها برعکس نشسته را ترجیح میدهند ولی خودم ایستاده را بهتر میدانم .

اول چند پاس بروی کرهٔ چشم مریض داده بعد ازشانه تا زانوان مریض را پاس میدادم. (مطابق شکل ۳۵)

شکل (۳۵)

سپس پشت سرمریضم رفته، دستهایم رابروی کتفهای اومیگذاشتم بطوریکه شست نزدیك ستون فقرات، انگشتان کمی فرورفته در زیر تیغهٔ کتف (Sur epineuse) قرار گیرد.

با مریضم هیچ صحبت نمیکردم. بعد دستهایم را بطرف خودم میکشیدم. اگر مریضم بعقب سر کشیده میشد فوراً اورا میخواباندم ولی چنانچه کشیده نمیشد وایستادگی میکرد، بازهم کلمه‌ای حرف نمیزدم بلکه دو باره دستهایم را به کتفهای او میگذاشتم و بعقب میکشیدم بعداً آهسته میگفتم : به عقب سر کشیده میشوی . حتماً کشیده میشوی .

ناراحت مبـاش ، بمن اطمینان داشته باش بهر طرف که بدنت متمایل است مقاومت مکن. دراینوقت دستم را برمی داشتم ، مریض بعقب می آمد .

هر کسی باندازه حساسیتش مقاومت میکند بعضی ها بی اختیار پرت میشوند ولی اغلب جای خود را تغییر میدهند. عامل باید خیلی باحوصله وصبور باشد .

در ضمن عمل ، تلقین لفظی کنید . برای اینکه بعضی اوقات حرف بوسیله گوش بقلب میرسد ، طوری با مریضتان حرف بزنید کـه ایمان داشته باشد ، شما بخاطر او زحمت میکشید، بشما اعتماد نمایدو شما را حامی خود بداند.

بالحن محبت آمیزی بگوئید «می فهمی من دکتر توهستم ، برای نجات تو زحمت میکشم». آنگاه برای سومین بار کتف های سوژه را با قدرت کف دست بسوی خود بکشید . طولـی نمیکشد کـه در بازوان شما یك جسم بی حس و سنگینی میافتد در این حال با یك دست سر معده و با دست دیگر ناحیه لگن (Regionlombaire) اورا مالش دهید وسعی کنید تعادلش بهم نخورد ووقتی مـاساژ میدهید در گوشش بگوئید هیچ دردی نداری ... میفهمی ... حتماً میدانم که فهمیدی، دردهای تو از بین رفت .

نمیدانی دکترت چقدر خوشحال است .

چند دقیقه هم ناحیهٔ کمر (Externe Hanche) معمول را اتارا نهایش مالش دهید

بعد دستهایتان را به کتف های او بگذارید و خودتان را حائل قرار دهید اگر مریضی حساس هم نباشد نتیجه قطعی گرفته اید .

ولی بعضی اوقات که مریضی مقاومت می نماید فوراً یك دست به پیشانی او بگذارید و با دست دیگر آهسته حفرهٔ چشم اورا فشار دهید. اگر مدت بیست دقیقه به همین حال بمانید. سوژه بخواب عمیقی خواهد رفت.

با اینحال بعضی از مریض ها باز هم مقاومت نموده و بدنشان بهمان حال باقی میماند، ناامید نشوید، مریض را بنشانید و یك شیئی درخشان جلو چشمانش نگاه دارید .(مطابق شکل ۳۶)

شکل (۳۶)

مثلا یك اشرفی طلا که بروی مخمل مشکی دوخته اید . یا سر تنك کریستال که تراش داشته باشد ..

بمریضتان بگوئید بخوابیدن فکر کند . دستهایش را کنار بدنش بگذارد مدت چهار تا پنج دقیقه شیئ درخشان را جلوی چشم او نگاه دارید

وبگوئید چشم از آن شیء درخشان برندارد .

اگر تعادلش بهم خورد اورا راحت بخوابانید و سر تنك را بدستش داده بگوئید بفاصله پنج تا شش سانتیمتری چشمان خود نگاه داشته بآن نظر کند . مدت یك ربع ساعت او را بحال خود بگذارید تا چشمانش بسته شود . اگر چشمانش را بست که خوابیده است.

ولی چنانچه چشمانش را باز کرد دستهایتان را بروی چشمانش بگذارید و به بندید. یا با تحکم بگوئید محال است بتوانی چشمانت را باز کنی

اگر چشمانش را باز نکرد مطمئن باشید که خواب است . ولی در صورتیکه چشمهایش را باز کرد نمی توانید مطمئن شوید که بخواب رفته است

سپس از جمجمه تا سر معده او را پاس دهید . (مطابق شکل ۳۷)

شکل (۳۷)

اگر پلکهایش بهم خورد با دست خودتان چشمانش را به بندید و بگوئید :

لجاجت مکن ، سلامتی تو بسته باینست که بخوابی . درموقعی که اعصاب مریض مرتعش گشت و بطور محسوسی لرزید مطمئن باشید که مریض میخوابد .

وقتی که راحت شدید با صدای آمرانه بگوئید بخواب . . . . خیلی راحت . . . خیلی عمیق... بخواب ...

اگر این متدرا بادقت وحوصله انجام دهید اثر آن صددرصد است .

متد دکتر لیه بانژان در فرانسه
و دکتر هاولی در امریکا

Dr. Liebengen et Hawley

این دو دکتر معروف هیپنوتیزم مریض را با حرف گول میزدند و اورا میخواباندند. باین ترتیب که با یکی از متدهای عادی مثلا با تسخیر نگاه: پس از اینکه مریض میخوابید از بالای سر تا سر انگشتان مریض را پاس میدادند. (مطابق شکل ۳۸)

شکل (۳۸)

در ضمن گلوله معروف فورنیه را جلوی دماغ مریض نگاه میداشتند (مطابق شکل۳۹) ومیگفتند:

شکل (۳۹)

بوی کلروفرم استنشاق کن . دهانت را خوب باز کن بوی کلروفرم درفضا پیچیده ، گیج شدی بخاری که از این گلوله متصاعد است هوا را پر کرده... بی‌حس شدی... بی‌حس شدی.

میخوابی... بخواب مریض من... راحت باش ... درد هایت را از بین بردم...

پاس دادن ازمچ دست تا سرانگشتان هم مفید است

متد دکتر دورویل Dr. Durville

مقابل سوژه بایستید دستتان رابسینه او گذاشته تا سرمعده‌اش‌را پاس‌دهیدسوژه کمی‌حساس، سرش سنگین میشود مژه هایش‌بهم میخورد بعد دودست را(مطابق‌شکل ٤٠) پشت گردن سوژه یامریض نگاه داشته دوتا سه دقیقه صبر کنید بیماربخواب عمیقی فرومیرود .

شکل (٤٠)

بیداری

بیداری مثل خواب همیشگی، طبیعی است مگر آنکه شخص تازه کاری کسی را خواب کند. اگر اتفاقاً چنین واقعه‌ای پیش آمد این دو قاعده هر کدام را که مناسب میدانید عمل کنید.

اول: عامل بایستی رفع تشویش از خود بنماید و خود را آرام نگاه دارد. آنگاه شروع بعمل استردادی نماید یعنی همانطور که پاس ها را همیشه از سر بپائین میدادند، در بیداری بعکس یعنی از نوك انگشتان تا شانه عمل مینمایند. (از پائین ببالا پاس دهند) عموماً بدون احساس خستگی سوژه‌ها بیدار میشوند وهیچ بخاطرشان نمی‌ماند.

اگر احیاناً شخصی حساس بود و بیش از قدرت خود سنگین شده باشد بآسانی بیدار نمیشود و بایستی روی پلکهای او فوت کرد و خیلی آرام وخونسرد بود زیرا پس از مدت کمی بیدار خواهد شد.

دوم: باصدای آمرانه دستور داد. بیدارشو... بیدارشو... سپس صورتش را باد بزنید ولی بعضی‌ها بااین اعمال بیدار نمیشوند.

باید دستش را در آب سرد فرو بریدویا ازخودش سؤال کنیدچطور بیدارت کنم ؟

اگرجواب نداد بازهم محکم فریاد بزنید... بیدارشو... بیدارشو... من میخواهم که بیدارشوی تا پنج میشمارم قول بده بیدارشوی.

اگر بازهم ساکت بود صدا را تحکم آمیزتر کنید با فریاد بگوئید سه مرتبه دیگرمی‌شمارم بایستی بلند شوی . یك... دو... سه.

چنانچه بازهم بیدار نشد دوباره پاس سربالا بدهید، ازرانهاودستها تا شانه‌ها، در مواقع بسیارنادری که سوژه بحال طبیعی برنگشت دستش را دو باره در آب سرد فرو برید، یا کف دستش را بهم بسائید صدای زننده نیز بسیارمؤثراست، یاباگلاب پاش بصورتش آب بپاشید مثل اینکه بیهوشی را بهوش می آورید اسمش را صدا بزنید یا اینکه سرو صدای زیاد دراطرافش راه بیاندازید،حتماً بیدارمی‌شود .

حالا اگر کسی ناشی بود و طرف را بحال بیهوشی انداخت یعنی زیاد ترازقوه‌اورا پاس‌داده بود :

باید فوراً یك روشنائی کور کننده بصورتش بیاندازید وسعی کنید با شما حرف بزند بعضی‌ها نمیتوانند یك کلمه حرف بزنند وبکلی گیج هستند.

دراین موقع گوشهای اورا بگیرید (مطابق شکل ٤١) وبکشید.

شکل (٤١)

ودر گوشش بلند بگوئید :

بیدارشو ... بیدارشو...

حـالت بسیارخوب است .

بعضی ها حرفی میزنند ولی عده ای فقط لبهایشان تکان میخورد ولی قدرت ندارند حتی یك کلمه حرف بزنند.

در این صورت چند پاس با فشار از سینه تـا گلوی سوژه بدهید

«از گودی گلو تا چانه» (مطابق شکل ٤٢) ضمناً مواظب باشید همیشه دست را

شکل (٤٢)

سر بالا که می‌برید بچانه تمام کنید ، ودوباره از گلو شروع کرده تا بالای سر پاس دهید. بعد آرواره او را بگیرید و بگوئید قدری بلندتر حرف بزن من میدانم که می‌شنوی .

با کمی پشت کار حتماً می‌توانید شخصی را که غیرطبیعی بخواب رفته است بیدار کنید .

سوژه ای که باین درجه سنگین شده هر امر یا دستوری که باو دهید انجام می‌دهد، و بکلی اختیار روح وجسم او در دست شماست.

روی این اصل است که مناسب نیست بر خلاف اخلاق دستوری

به سوژه‌داد، یا این نیروی عجیب را بازی شمر دو با آن تفریح کرد. زیرا اسباب زحمت سوژه میشود. این قبیل خوابهای سنگین برای جراحی بسیار مفید است .

تبدیل خواب طبیعی به خواب مصنوعی

اشخاصی که درخواب زیاد حرف میزنند ، خواب مضطرب دارند خیلی زود میشود خواب آنها را بخواب مصنوعی تبدیل کرد .

باین ترتیب خیلی آهسته نزدیك شخصی که خوابیده است بروید واز بالای سر تا سرمعده اورا پاس دهید، بعدبا آهنگ ملایم و بسیار آهسته تلقین کنید.

بخواب ... شما بیدار نمیشوید ... خیلی عمیق بخواب ...

(درسرمعده اوصحبت کنید) .

برای اینکه مطمئن شوید که خوابش تبدیل شده است دست اورا بلند کنید اگر بی‌حس بود که خوابش تبدیل شده است .

آنگاه پهلوی او به نشینید واز وسئوالاتی کنید، خیلی آهسته جواب میدهد . برای اینکه بخواب اصلی برگردد دستتان را بگذارید روی پیشانی او، همین عمل کوچك اورا بحال اول برمیگرداند .

هتد پل فارز Dr. Paul Farez

عقیده دکتر پل فارز برای تبدیل کردن خواب طبیعی بخواب مصنوعی اینست که نزدیك مریض یاسوژه بروید . باشهیق وزفیراوامردهید.

به ... خواب ... به ... خواب ...

بعد هر دردی را که منظورتان می باشد معالجه کنید . در این حالت گیجی بمریضتان هرچه تلقین کنید مؤثراست. وقتی بیدارمی‌شود دردندارد ولی نمی‌داندچه شده.

متد دکتر فلاور Dr. Flower

این دکترمریض را می‌نشاند مقابل خودش ومی‌گفت وقتی من می‌شمارم : یك- مژه را بالاببرید وبشمارهٔدوپائین بیاورید،شروع کردم :

یك ... دو ... یك ... دو ... یك ... دو . بهمین ترتیب صدا رابلند کنید و تندترامر دهید مریض بزودی بخواب میرود اگر پاس هم بدهید بی‌اثرنیست .

خواننده گرامی مطمئن باشید شخص قوی یا ضعیف درهرحال با یکی ازاین متد ها بخواب میرود .

بعضی ها بقدری حساس هستندکه ازراه دوربا مخابره تلگرافی یا پای تلفن باتلقین شما می‌خوابند . یا باکشش‌عامل قوی ازراه بسیار دورازشما اطاعت میکنند .

هیپنوتیزم ازراه دور

با تسخیرشعوری می‌توانید مریض را ازراه دوربخوابانید :

البته بایستی بدانید که مریضتان حساس است . بعد تصویراورادر فضا جلوی خود مجسم کنید . وتمام افکارخود را بیك نقطه جمع کرده اطمینان داشته باشید که مریض شما ازشما اطاعت می کند .

درفضا به سوژه‌یامریض مجسم شده درخیال‌خود پاس‌دهید؛ مثل اینکه درمقابل‌شما ایستاده وتلقین‌می‌کنید :

بخواب ... بخواب ... بخواب ...

این طرزخواب کردن‌رادکتراسدال Dr Esdal رئیس‌بیمارستان کلکته برای مریضهای جراحی شده خود بکارمیبرد .

پست سوژسیون Poste Sugession

خواننده عزیز میدانید که هر تلقینی درخواب شود در بیداری فراموش میشود. ولی پزشکان زحمات بسیار کشیده اندکه آثار تلقین آنها دربیداری هم بماند، باین حالت‌پست سوژسیون می گویند.

دکتربرن هایم Dr. Bern Heim پس‌ازسی‌وشش روز زحمت نتیجه گرفت.

ولی‌دکترلیه‌ژوا Dr. Liegeois پس‌ازیکسال بنتیجه‌رسیدباین ترتیب:

پس از اینکه مریض یا سوژه بخواب عمیقی فرو رفت با لحن محکمی‌امردهید: «پس ازیکربع ساعت که‌بیدارشدی‌مثلادستمالت رااز جیبت‌بیرون‌بیاور،وبروی‌صورتت بگذار.حتماًاطاعت کن.»یااوامردیگری هم باوبدهید عمل‌میکند ولی بایستی‌مرتباًفرمان دادوصدارا بلندکرد.

اگر دست سوژه را در دست گرفته و دست راستتان را (مطابق شکل۴۳) او پیشانی بگذارید بهتر است .

سوژه پس ازبیدار شدن بدنبال فرمان شما میرود.

شکل (۴۳)

این عمل درطب فواید بسیار دارد مثلا بعضی اشخاص عادات زشتی دارند که بهیچوجه نمی‌توانند ترك کنند، با این نوع تلقینات عادت زشت را ترك می‌دهند.

قرنها قبل ازاینکه بسبب ترقی و تکامل علم روانشناسی و روان پزشکی دستگاههای الکتریکی متداول شود، وخواب کردن بوسیله داروهای مختلف معمول گردد. ازاین روش دردرمان بیماریهای روحی استفاده می کردند.

کاتالپزی Catalepsie

این حالت کرخی است که تخشب وداء السباب می گویند یکی از شاهکارهای هیپنوتیزر های معروف است که سوژه را بدین حالت می ـ کشانند بدین ترتیب :

سوژهٔ حساسی را که بخواب عمیقی می رفت از بازوان بطرف شانه تا باسن ورانهاپاس داده و در ضمن عمل مرتباً تلقین می کردند : نبض شما بسیار ناراحت است . قلبتان کار نمی کند . بدن شما بی حس شده مثل یك تکه چوب .

بدن سوژه با این تلقین ها واقعاً مثل یك تکه چوب سخت وخشك می شود بطوری که میتوانید سرش را بروی یك صندلی وپاهایش را بروی صندلی دیگر قرار دهید کمر وسینه سوژه مثل چوب خشك راست و کشیده می شود، ودر اینحال میتوان یك جسم سنگینی نیز بروی بدن او گذاشت .

اگر حرکات شدیدی هم بدست و پای او داده شود ابدا احساس نمی کند. در تأثر ها نیز از قبیل همین کارها کرده باعث اعجاب و شگفتی مردم می گردیدند.

برای اینکه سوژه بحال طبیعی برگردد

پاس دادن سر بالا از زانها تا شانه با تماس دست بسیار مفید است البته درحین پاس دادن تلقین بکنید :

رگهای شما باز شدند... باز هم... حس پیدا کردید... باز هم حرکت بیشتری باعضایتان بدهید. آنقدر تلقین کنید که سوژه بحال اول برگردد، درضمن دستور دهید همه چیز را فراموش کند.

لتارژی Le Lethargie

لتارژی یا غش (موت کاذب)

دراین‌حالت روح وجسم سوژه دراختیارعامل است .

حالت مرگ موقتی‌است این‌خواب گاهی بقدری عمیق می‌شود مثل اینکه گیاهی درمقابل عامل‌است .

هیچ حس ندارد. قلبش آهسته می‌زند ، تنفسش بزحمت محسوس‌است. چرا این‌حالت را درشخصی بوجود می آورند ؟

بعضی ازبیماران طاقت درد ندارند. یا ازغمی‌شدید رنج‌میبرند. برای تسکین درد، آنانرا بحالت موت کاذب میاندازند باین ترتیب:

با یکی از متدهای معمولی‌مریض‌را می‌خوابانندولی‌پشت‌سرهم پاس‌می‌دهندوتلقین‌می کنند... بخواب...بخواب...خیلی‌عمیق.هیچ‌احساس درد نداری. نه‌درمغزونه درقلب... کاملا آرامی،راحت بخواب ... همه چیزرا فراموش کن . روحت‌ساکت شده برای‌اینکه مریض بحال‌طبیعی برگردد کافی‌است دستتان‌را روی سرش بگذارید و بگوئید می‌فهمی ؟

صدای مرا می‌شنوی؟ بیدارشو... حالت بسیارخوب‌است . بیدار شو... دردهارا فراموش کن .

چندین پاس باتماس، اورا بحال طبیعی‌برمیگرداند البته بایستی خیلی‌مهارت داشت.

انستزی Anesthesie

این حالت تشکیل شده از کلمه لپزی و لتارژی.

انستزی سخت ترین خواب مغناطیسی است.

غالباً جراحانیکه وسائل بیهوشی در دسترسشان نبود باین وسیله مریض را بیهوش می کردند.

این حالت خیلی شدید است اگر سوزن ببدن سوژه یا مریض بزنند احساس نمی کند. پرفسورها برای جراحی و یا دردهای بسیار شدیدی که مریض طاقت تحمل آنرا ندارد از این نوع خواب استفاده می کردند. بهمان ترتیبی که ذکر شد مدت زیادی پاس می دادند و این نوع خواب برای کسانی که مبتلا به حساسیت دردهای جسمی (Soufrance Phisique) هستند بسیار نافع است.

متأسفانه بیشتر مردم باین حالت مبتلا هستند!!...

آئینه بینی

Vision Dans Le Cristal

آئینه‌بینی که رشته ای از علم هیپنوتیزم است ، بوسیله تسخیر و تلقین‌وپاس‌صورت می گیرد.

طریقه اول- طفل هشت‌یا نه‌ساله‌ای را دوزانو جلوی آئینهٔ شفافی نشانده‌وباوتأکید نمائیدکه در آئینه نظر کند ومردمك چشم رافقط بیك نقطه بدوزدوبطرف‌دیگرتوجه‌نداشته ،سعی کندچشمهایش‌رابرهم‌نزند.

شخص‌عامل‌بایدبادودست خود ازمحاذی‌صورت‌طفل تابروی آئینه مرتباً پاس دهد دراین‌موقع حالتی برطفل‌مستولی‌می گردد که‌هرسؤالی‌از اوبکنید ازغریب وبعید جواب می‌دهد.

طریقه دوم : هرگاه بخواهید برکسی‌غایب بینی ظاهر کنید باید:

یك کاسهٔ بلورشفاف‌را از آب صاف پر کنید ومقابل‌سوژه‌بگذارید وسوژه بنظرتعمق وحضورقلب در آن کاسه نظر کند.دراینحالت باید دو تکه‌سنگ‌مغناطیسی‌دردست داشته باشدودستهارا تا دوساعت‌بسینه‌خود

ملحق نماید، بعداز آن حالتی بسوژه دست میدهد که هرچه ازاوسؤال کنید ازحالات گذشته یا آینده وهمچنین اشیاء مخفیه نشان می دهد.

پس معلوم میشود این علم ازقدیم بوده وهمان تسخیرروحی سوژه است. تواریخ یونان درشرح حال حکما می نویسند که حکمای آنزمان اخباررا درعالم رؤیا بیان می کردند.

اکنون بچشم خود می توانیم به بینیم کسی که خواب هیپنوتیزی براومستولی میشود میتواندازاحوال دنیا آگاهی دهد.

ویاهرکسی باتزکیه نفس خود می تواند گذشته رامعلوم و آینده را پیش بینی نماید.

تزکیه نفس

برای اینکه نفسی تزکیه شود بایستی شخص خودرا مبری ازهر بدی نماید. صفات حیوانیت را ترك نموده متصف بصفات الهی شود، تاتجلی حق در آئینه قلب او بشود.

بایستی شبهادر اطاق تنهابخوابد به‌عکس شخصی که باومعتقد است یا یك قطعه مغناطیس نظر کند تابخواب رود.

مدتی تمرین نماید و از خوردن غذای زیاد اجتناب نماید. نظر دوختن به‌قطعه عکس ویا آن جسم مغناطیس، توجه ازهمه‌جا منقطع و بیك‌نقطه مخصوص مشغول می‌شود.

لذا خیالات متفرقه بکلی از وجود او برطرف می‌شود رفته رفته عامل‌را مستعد فهم مطالب وترك خیالات متفرقه می‌نماید.

وقتی نفسی ازدنیا منقطع شودوبسوی خدا توجه نماید، ناچار برطبیعت حقیقی‌لازم است که صورخارجی‌رابرقلبی‌خطور دهدکه منزه ازهربدی است.

وقتی‌قلبی تزکیه‌شد وجزنورخدائی‌دراوچیزی نبود محل‌تجلیات خدائی‌میشود: قلب مؤمن هم ممکن‌است خبراز ضمائرومغیبات دهد، ولی بطورکلی:

((لایعلم الغیب الاهو))

احضار ارواح

برای احضار ارواح بقاعدهٔ اهل تصوف در اطاقی تاریك دور میز مدور بشکل حلقه می نشینند. اهل حلقه بایستی کمتر از سه نفر و بیش از ده نفر نبوده واز مردمان متقی و پرهیز کار باشند. هر گاه مرد بد قلبی درمیان جمع باشد ارواح از آمدن احتراز مینمایند پس از آنکه بدقت اشخاص حلقه تعیین شدند :

دورتا دور میز می نشینند بطوریکه دست راست هر کس در دست چپ دیگری باشد و همگی توجه بر یك مطلب نموده با حضور قلب و حواس جمع روح هر کس را که بخواهند می طلبند. باید همگی صورت وهیکل صاحب روح را درقلب خود تصور کنند و توجه خودرا بصاحب روح بنمایند .

ده الی پانزده روز ادامه میدهند تا اینکه یکی از اهل حلقه از حالت طبیعی بیرون رفته حالت روحانیت در او ظاهر میگردد .

اگر در مدت ده ـ پانزده روز بهمین طریق مداومت نمایند و تغییری در

هیچکدام ظاهر نشود . باید جای خود را تغییر دهند .

پس از آن باز شروع بعمل نمایند تا حالت مذکور در یکی از آنها ظاهر گردد چون اینحالت پیدا شد لازم است که شخص مذکور را پشت بشمال و رو بجنوب بنشانند، البته باید یکنفر را رئیس خود قرار داده از او اطاعت کنند.

سپس رئیس در مقابل آن شخصی که از حال طبیعی خارج شده بنشیند و بسوژه بگوید از روح سؤال کن .

هر گاه استماع صوتی احساس شد یا اینکه پایه میز حرکت کرد باید دانست که روح مطلوب حاضر شده است آنگاه همان شخص رئیس به آهستگی و ملایمت بپرسد :

اگر کسی آمده است بگو جواب بدهد ... (جوابهائیکه شنیده میشود باینطریق است)

اگر یك بار پایه حرکت کرد نشانهٔ حرف الف ... دو بار... علامت حرف ب ... سه بار الی آخر بترتیب نشانهٔ بقیهٔ حروف تهجی است.

در بعضی اوقات صدا نمی آید بلکه انگشت یکی از اهل حلقه حرکت میکند .

در اینصورت شخصیکه انگشتش حرکت نموده حالتش تغییر کرده است باید فوراً مدادی بدستش بدهید و زیر دست او کاغذ بگذارید سپس هر سؤالی از او بکنید جوابش را خواهد نوشت .

برای اشخاصی که حالتشان تغییر کرده ارواح ظاهر می‌شود . و بنظرشان میرسد که به دیوار حروف روشنی نوشته شده است که بخوانند . این سوژه ها بسیار حساسند گاهی اوقات نیز که از شیئی ای نوری

برمی‌خیزد سوژه حساس نمی بیند همانطور که سنگ مغناطیس جذب آهن میکند. همانطور نیز انجذاب روح باروح می‌شود .

باید دانست که از ارواح نباید سؤالات بیهوده نمود . زیرا اجازه ندارند بهر سؤالی جواب دهند . هر گاه روح مردمان گناهکار حاضر شوند گریه وزاری می کنند باید برای آنها طلب آمرزش کرد!...

اوه !! ...

پایان

زیر چاپ :

پرنسس هلن اثر الکساندر دوما
ترجمهٔ: ناصرالملوك شریف

حق طبع محفوظ و مخصوص مؤلف است

بها : درتمام کشور ۵۰ ریال